

Identifying and Explaining the Disadvantages of the Process of Identification in Iran's Formal Public Education System with Emphasis on Islamic-Iranian Identity

Mokhtar Zakeri*

Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran

(Received: November 4, 2020; Accepted: August 23, 2021)

Abstract

Identity of each period has been affected by the terms and textural characteristics of societies and eras. Particularly Attention was paid to the concept of self in Most of the time. The authors attempt to investigate concept of identity in Space Education and to explain implications of the Phenomenological concept of identity in education. The main question includes what are Roles, tasks and basic directions of Education as Identifying institution. The study used qualitative research and with the analytical and deductive method is Performed. The results show that two types of injuries can be identified; the first category is related to the field of education of Islamic-Iranian identity to learners, which includes a total of eighteen items, and the second category refers to the identity of the education system itself, which includes four items. Cases such as lack of comprehensive reading and reproduction of components of the education system, lack of coordination of changes within the education system, lack of a clear idea of the Islamic-Iranian identification process and lack of proper completion of the internal processes of education related to the first category and lack of diversity of identities. Lack of comprehensiveness and independence of components, lack of internal compatibility of existing identity contexts and lack of identity processes fall into the second category.

Keywords: Educational implications, Islamic-iranian identity, Phenomenological concept of identity, Practice of education.

* Corresponding Author, Email: mokhtarzakeri365@gmail.com

شناسایی و تبیین آسیب‌های فرایند هویت‌یابی فراگیران در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی ایران با تأکید بر هویت اسلامی - ایرانی

مختار ذاکری*

استادیار، گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱)

چکیده

یکی از عرصه‌هایی که مفهوم هویت به شدت در آن مطرح می‌شود، حوزه تعلیم و تربیت است. تلاش نگارنده بر این است که مجموعه آسیب‌های فرایند هویت‌یابی فراگیران در نظام تعلیم و تربیت ایران و جریان هویت‌آفرینی اسلامی ایرانی در بستر نظام تعلیم و تربیت را بحث و تحلیل کند. این پژوهش از اشکال پژوهش‌های فلسفی و با روش تحلیلی استنتاجی انجام شده است. سؤال اصلی پژوهش این است که چه چالش‌هایی باعث شده است، جریان هویت‌یابی اسلامی - ایرانی فراگیران با اینکه مورد نظر نظام تعلیم و تربیت است و برای آن برنامه‌ریزی وسیعی می‌شود، روند مطلوبی را طی نمی‌کند و مهم‌ترین آسیب‌های فرایند هویت‌یابی فراگیران در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی کدامند؟ نتایج نشان می‌دهد که دو دسته از آسیب‌ها را می‌توان مطرح کرد؛ دسته اول مربوط به میدان عمل تعلیم و تربیت در مسیر هویت‌بخشی اسلامی - ایرانی به فراگیران است که در مجموع، هجده مورد را شامل می‌شود و دسته دوم به هویت خود نظام تعلیم و تربیت اشاره دارد که شامل چهار مورد است. مواردی از جمله عدم بازخوانی و بازتولید همه‌جانبه اجزای نظام تعلیم و تربیت، عدم هماهنگی تغییرات درون نظام تعلیم و تربیت، عدم وجود ایده مشخصی از فرایند هویت‌یابی اسلامی - ایرانی و عدم طی شدن مطلوب فرایندهای درون‌ساختاری تعلیم و تربیت مربوط به دسته اول و عدم تنوع زمینه‌های هویتی، عدم جامعیت و استقلال مؤلفه‌ها، عدم سازگاری درونی زمینه‌های موجود هویتی و عدم طی شدن فرایندهای هویتی در دسته دوم جای می‌گیرد.

واژگان کلیدی: آسیب‌های هویتی، عمل تعلیم و تربیت، مفهوم پدیدارشناختی هویت، هویت اسلامی ایرانی.

مقدمه

به عقیده اریکسون، نظریه‌پرداز و پژوهشگر برجسته، هویت مفهومی کاملاً فراگیر، اما مبهم است. گریزناپذیری آزردهنده هویت به‌خوبی در اثر لئون و ایسلتیر، نظریه‌پرداز مشهور اجتماعی توضیح داده شده است. وی بر این نکته که اگر بخواهیم با این مفهوم هم مخالفت کنیم، باز نمی‌توانیم از آن فرار کنیم، تأکید می‌کند (هانتینگتون، ۱۳۸۴، ص ۴۲). کمتر مفهومی است که به اندازه هویت، واجد معانی متعدد باشد. تلاش برای تعریف هویت را شبیه تلاش برای نام‌گذاری رنگ باد دانسته‌اند؛ از هرکسی پرسیده شود، پاسخ متفاوتی خواهد داد (پارانجپی آناند، ۲۰۰۲، ص ۱۸). محسنی و دوران بیان کردند وجود مفاهیم مترادف یا نزدیک و مرتبط برای هویت، مانند من فاعلی، من مفعولی، درک خود و آگاهی از خود، خودانگاره، اگو و شخصیت نیز شاید از همین، نشأت می‌گیرد. هویت از اقبال چندین رشته علمی از جمله فلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، تاریخ و ادبیات برخوردار است، به‌طوری‌که به‌نظر می‌رسد، همه در این زمینه حرفی برای گفتن دارند (علیخانی، ۱۳۸۳، صص ۸۱-۸۲).

تقویت هویت‌های دینی و ملی در دانش‌آموزان، امروزه یکی از اساسی‌ترین مسائل پیش‌روی آموزش و پرورش، به‌مثابه یکی از مهم‌ترین کارگزاران جامعه‌پذیری و بازتولید همبستگی اجتماعی عام به‌شمار می‌رود. نظام آموزشی با درونی‌کردن ارزش‌ها و آشناکردن دانش‌آموزان با اصول حاکم بر جامعه و نظام سیاسی، نقش شایان توجهی در افزایش علاقه و دلبستگی افراد به آنها ایفا می‌کند. به همین سبب، درونی‌کردن ارزش‌ها و هنجارهای نظام سیاسی و اشاعه آن‌ها در تک‌تک افراد از جمله مهم‌ترین وظایف نظام آموزشی محسوب می‌شود که هر نوع اختلالی در انجام آن نتایج ناخوشایندی در پی داشته باشد. در سند تحول، یکی از راهکارهای اصلی دستیابی به این مهم، ایجاد سازوکار برای تقویت انسجام اجتماعی و وحدت ملی و احیای هویت افتخارآمیز اسلامی - ایرانی در دانش‌آموزان و معلمان است. دانش‌آموزان با ورود به مدرسه طی دوره تحصیل و در کنار آموزش رسمی، با مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و فوق برنامه و در تعامل با معلمان و مربیان و سایر دانش‌آموزان به تعاریفی از هویت خویش و دیگران دست یافته و به بازتولید این هویت‌ها

می‌پردازند. بنابراین، مدرسه نقش انکارناپذیری در تکوین و ارتقای تعلقات دینی و ملی دانش‌آموزان دارد و هر گونه نارسایی و چالش در این خصوص، برای فرایند هویت‌بخشی اسلامی-ایرانی فراگیران آسیب‌زا خواهد بود.

وقتی به عمل تعلیم و تربیت در طول تاریخ نگاه می‌کنیم، یک هدف و وظیفه اساسی را در همه دوران‌ها و نظام‌های تربیتی می‌توانیم، بیابیم و آن ایجاد وضعیت‌های مشخص و مورد انتظاری از هویت در فراگیران بوده است. با این حال تعلیم و تربیت در به‌انجام‌رساندن این رسالت در ارتباط با هویت‌یابی اسلامی-ایرانی فراگیران با چالش‌های اساسی مواجه است و مسیر مشخصی برای هویت‌بخشی در پیش‌روی خود نمی‌بیند.

هویت اسلامی-ایرانی را می‌توان برابندی دانست که از شناخت آموزه‌های اسلامی-ایرانی، درونی کردن آن‌ها و نیز پایبندی عملی به آموزه‌های مذکور، برای افراد حاصل می‌شود. این آموزه‌ها در فرایند تطبیق فرهنگ گذشته ایران با مبانی اسلامی و با معیار قرارداد اسلام در این فرایند، به دست می‌آید. منظور از فرایند تطبیق، بررسی وجوه مشترک و مختلف آموزه‌های برگرفته از اسلام و فرهنگ تاریخی ایران است. در این فرایند، چنانچه در وجهی از امور، میان آموزه‌های اسلام و فرهنگ ایران اختلافی باشد، معیار تعدیل آن امر، اسلام در نظر گرفته شده است. با توجه به این صافی، آموزه‌های اسلامی-ایرانی، حاصل شده و این آموزه‌های مشترک و تعدیل‌شده، به عنوان مبنایی که نقش مؤثر هویت‌سازی اسلامی-ایرانی را برای فراگیران خواهد داشت، مبنای عمل واقع می‌شوند. چنانچه این آموزه‌ها توسط فراگیران، مورد پذیرش جامع قرار گیرند، هویت اسلامی-ایرانی در وجود آن‌ها تجلی می‌یابد (سبحانی‌نژاد و امیری، ۱۳۹۲).

هویت اسلامی-ایرانی به معنای احساس تعلق به گروهی از انسان‌ها به علت اشتراک در برخی عناصر فرهنگی و شبه‌فرهنگی است. فرد ایرانی همزمان تعلقات اسلامی و ایرانی خود را بدون منافات دارد. هویت اسلامی-ایرانی، مجموعه‌ای از نگرش‌های مثبت نسبت به عوامل و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه در سطح کشور است که دارای مؤلفه‌های گوناگون مثل ارزش‌های ملی، دینی، فرهنگی و اجتماعی است (نادری، ۱۳۹۷).

پاتولوژی^۱ به معنای آسیب‌شناسی، بیماری‌شناسی و تشخیص علل آسیب‌های وارده بر سیستمی مشخص (مورد مطالعه) است. آسیب‌شناسان با تجزیه و تحلیل این اطلاعات و با توجه به اهداف سازمان، از طریق روابط منطقی موجود و آن روابطی که باید برقرار باشد، به علل آسیب واقف می‌شوند (پیدایی، ۱۳۹۱). منظور پژوهشگران در این نوشتار از مفهوم آسیب‌های فرایندهای هویت‌یابی یادگیرنده در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی، تشخیص آسیب‌های وارده بر سیستم تعلیم و تربیت در بعد هویت‌بخشی اسلامی- ایرانی به فراگیران است. پژوهشگران به عنوان آسیب‌شناسان با تجزیه و تحلیل اطلاعات پیرامون هویت اسلامی- ایرانی در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی و با توجه به اهداف سازمان تعلیم و تربیت در این خصوص، از طریق روابط منطقی موجود و آن روابطی که باید برقرار باشد، برآن هستند تا به علل آسیب واقف شوند. نظام تعلیم و تربیت رسمی در مسیر هویت‌بخشی مطلوب به فراگیران باید هم درخصوص تدارک و معرفی زمینه‌های مناسب هویتی، هم در رهنمود فراگیران برای پیمودن فرایندهای موردنظر هویتی و تحقق مؤلفه‌های هویت اسلامی- ایرانی در فراگیران گام‌های مشخصی بردارد که به نظر می‌سد در این زمینه چالش‌های اساسی و نارسایی‌هایی به چشم می‌آید که ضرورت دارد به این مهم پرداخته شود.

منظور از نظام تعلیم و تربیت ایران در این پژوهش، مهمترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی، متولی فرایند تعلیم و تربیت در همهٔ ساحت‌های تعلیم و تربیت، قوام‌بخش فرهنگ عمومی و تعالی‌بخش جامعهٔ اسلامی براساس نظام معیار اسلامی، با مشارکت خانواده، نهادها و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی است. این نهاد مأموریت دارد با تأکید بر شایستگی‌های پایه، زمینهٔ دستیابی فراگیران به مراتبی از حیات طیبه در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و جهانی را به صورت نظام‌مند، همگانی، عادلانه و الزامی در ساختاری کارآمد و اثربخش فراهم سازد (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰).

در خصوص مقولهٔ هویت نظریه‌پردازی و پژوهش‌های زیادی انجام شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

میربلوچ زهی (۱۳۹۸) در پژوهشی به این نتیجه رسید که دوران پیش از دبستان با توجه به نقشی که در شکل‌گیری شخصیت و هویت هر فرد دارد یکی از مهمترین دوره‌های زندگی محسوب می‌شود. با توجه به اهمیت این دوره باید با سرمایه‌گذاری بیشتر در مقطع پیش‌دبستانی و همچنین فراهم‌آوردن محیط مناسب، زمینه را برای رشد و پرورش کودک فراهم کرد.

نتایج پژوهش میرزاپور، زمانی‌مقدم و جعفری (۱۳۹۸) نشان‌دهنده کارکرد بالای آموزش و پرورش در نهادینه‌سازی هویت ملی دانش‌آموزان در ابعاد مورد مطالعه است. نتایج ۲ مؤلفه در بعد فرهنگی، ۲ مؤلفه در بعد تاریخی و ۲ مؤلفه در بعد اجتماعی هویت ملی را معرفی کردند. که به ترتیب عبارت‌اند از: «نمادها» و «نگرش و رفتار» در بعد فرهنگی، «روند تاریخی» و «آثار تاریخی» در بعد تاریخی و نیز «اندیشه و رفتار مدنی» و «احساسات مدنی» در بعد اجتماعی.

یافته‌های پژوهش محمودی (۱۳۹۸) نشان داد در کتاب‌های درسی پایه دوازدهم، به برخی ابعاد و مؤلفه‌های هویت ملی توجه کافی نشده است. فراوانی مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی پایه دوازدهم رشته علوم انسانی به طور معناداری بالاتر از کتاب‌های درسی رشته‌های تجربی و ریاضی بوده است.

راستگو و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی نشان دادند سطح سواد والدین با ارتقا و تقویت هویت دینی دانش‌آموزان رابطه معناداری دارد، همچنین، آزمون فرضیه‌های با ۹۹ درصد اطمینان نشان داد که هر ۹ عامل پرسش‌های بنیادین، جهت بخشیدن به زندگی، رویکرد مثبت به آینده، وحدت اعتقادی، ویژگی‌های ملی، تقویت و پذیرش اجتماعی، توجه به منزلت، معنابخشیدن به جهان و مقاومت در برابر مصائب، در تقویت و تحکیم هویت دینی دانش‌آموزان تأثیر دارد.

نتایج پژوهش نادری (۱۳۹۷) با عنوان «تبیین مبانی فلسفی هویت اسلامی- ایرانی و آسیب‌شناسی آن» نشان داد در هفت گویه دربردارنده مؤلفه‌های تعلق به میهن، آثار ملیف لباس ملی، خودکفایی و اخلاقیات آسیب‌های وجود دارد که در این خصوص راهکارهایی ارائه کردند.

اسچیندر^۱ در بررسی تأثیر مذهب بر هویت روانی اجتماعی زنان بیان کرد که مذهب و پیوستگی به خدا به جنبه‌های معناداری از عاطفه و شخصیت فردی وابسته‌اند. آن‌ها دریافتند که پیوستگی

مذهبی، سلامت روانی بهتر را ترویج می‌کند و کشف کردند که چنین پیوستگی با احساس تنهایی و دلتنگی میان زنان هم‌پسته است (روات و کیلیپاتریک^۱، ۲۰۱۹).

وات نو^۲ در مطالعه‌ای بیان کرد که مذهب و درگیری مذهبی به ساخت هویت در فرد منجر شده و سرمایه اجتماعی را فراهم می‌کند که در آن، افراد بر شیوه‌هایی متمرکز می‌شوند که درباره خودشان، در ارتباطی که با دیگران دارند، فکر می‌کنند (اسچیندر، ۲۰۱۸).

رجینا^۳ (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای به بررسی ماهیت هویت یهودی پرداخته، بیان می‌کند که هویت یهودی یک هویت قومی است که متمایز از شناسایی شدن به‌عنوان یک یهودی بوده و به معیارهایی از مذهبیت و روحانیت و هستی خوب مرتبط می‌شود.

میدیما^۴ (۲۰۱۶) بیان می‌کند، تربیت دینی، آن بخشی از هویت و تحول شخصیتی کودکان و نوجوان است که ارتباطات دینی و تجربه‌های مذهبی را در آنان ایجاد می‌کند که جنبه‌های شناختی، احساسی، عاطفی و ارادی در این روند نقش دارد (میدیما، ۲۰۱۶، ص ۱۱۲).

از مجموعه پژوهش‌هایی از جمله سبحانی‌نژاد و امیری (۱۳۹۲)، میربلوچ زهی (۱۳۹۸) و راستگو و همکاران (۱۳۹۷) که پیرامون مقوله هویت‌یابی اسلامی - ایرانی صورت گرفته شده است، چنین برمی‌آید که در حال حاضر در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور، آسیب‌های هویتی در فراگیران وجود دارد که در این پژوهش به دنبال شناسایی و تبیین این چالش‌ها و ارائه پیشنهادهایی برای بهبود فرایند هویت‌یابی هستیم.

با توجه به مباحث مطرح‌شده، تلاش نگارنده بر این است که مجموعه آسیب‌های فرایند هویت‌یابی فراگیران در نظام تعلیم و تربیت ایران را بحث و تحلیل کنند. سؤال اصلی پژوهش این است که مهم‌ترین آسیب‌هایی که پیش‌روی مسیر هویت‌یابی اسلام - ایرانی فراگیران قرار دارد، کدامند؟

1. Roath & kelipart
2. Wath now
3. Regina McCormick
4. Miedima

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از اشکال پژوهش‌های فلسفی و با روش تحلیلی-استنتاجی انجام شده است. در عرصه فلسفه تعلیم و تربیت از روش استنتاجی در فلسفه تعلیم و تربیت بسیار سخن رفته است. هاری برودی اعتقاد راسخی به این روش دارد. از نظر وی در نظریه‌پردازی از دو روش می‌توان بهره برد: ۱. روش اشتقاقی (استنتاجی) ضمنی: در این روش رویکرد مسئله‌نگر وجود دارد به این معنا که

فرد برای حل مسائل تعلیم و تربیت، نظریه‌ای تربیتی فراهم می‌آورد.

۲. اشتقاقی صریح: در این روش فرد موضع معینی را مبنا قرار می‌دهد و برای عرصه تعلیم و

تربیت به استخراج دلالت‌های معینی می‌پردازد (باقری، سجادیه و توسلی، ۱۳۹۴).

در این مقاله از شیوه دوم بهره گرفته شده است به این صورت که مدل هویتی نگارنده که شرح آن در ادامه خواهد آمد، موضعی است که مبنا قرار داده شده است و براساس آن به نقد و ایده‌پردازی پیرامون نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر هویت اسلامی-ایرانی پرداخته شده است. به عبارتی، وضعیت موجود تعلیم و تربیت رسمی عمومی بر مبنای ملاک‌های هویتی مطرح شده از سوی نگارنده تحلیل و بررسی شد و آسیب‌های موجود در بطن و بدنه نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی استنتاج شده است.

جامعه پژوهش در این نوشتار، کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع بوده است. گروه‌های مرتبط با موضوع، به شیوه نمونه‌گیری از گروه‌های موردی^۱، انتخاب شده و نمونه، به صورت هدفمند، با شیوه‌ی نمونه‌گیری موردی^۲ بر اساس رسیدن به اشباع یافته‌ها انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته است. از فرم فیش‌برداری، به منظور گردآوری نتایج مطالعات انجام‌شده در مستندات مرتبط، استفاده شده است.

پژوهشگر به‌عنوان ابزار پژوهش به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها، از روش اسنادی بهره برده است. در پژوهش کیفی، پژوهش‌گر هم به‌عنوان گردآورنده داده‌ها و هم به‌عنوان گوینده معنای داده‌ها ایفای نقش می‌کند (میکات و مورهاوس، ۱۹۹۴، ص ۴۶).

1. Sampling Groups of Cases

2. Case Sampling

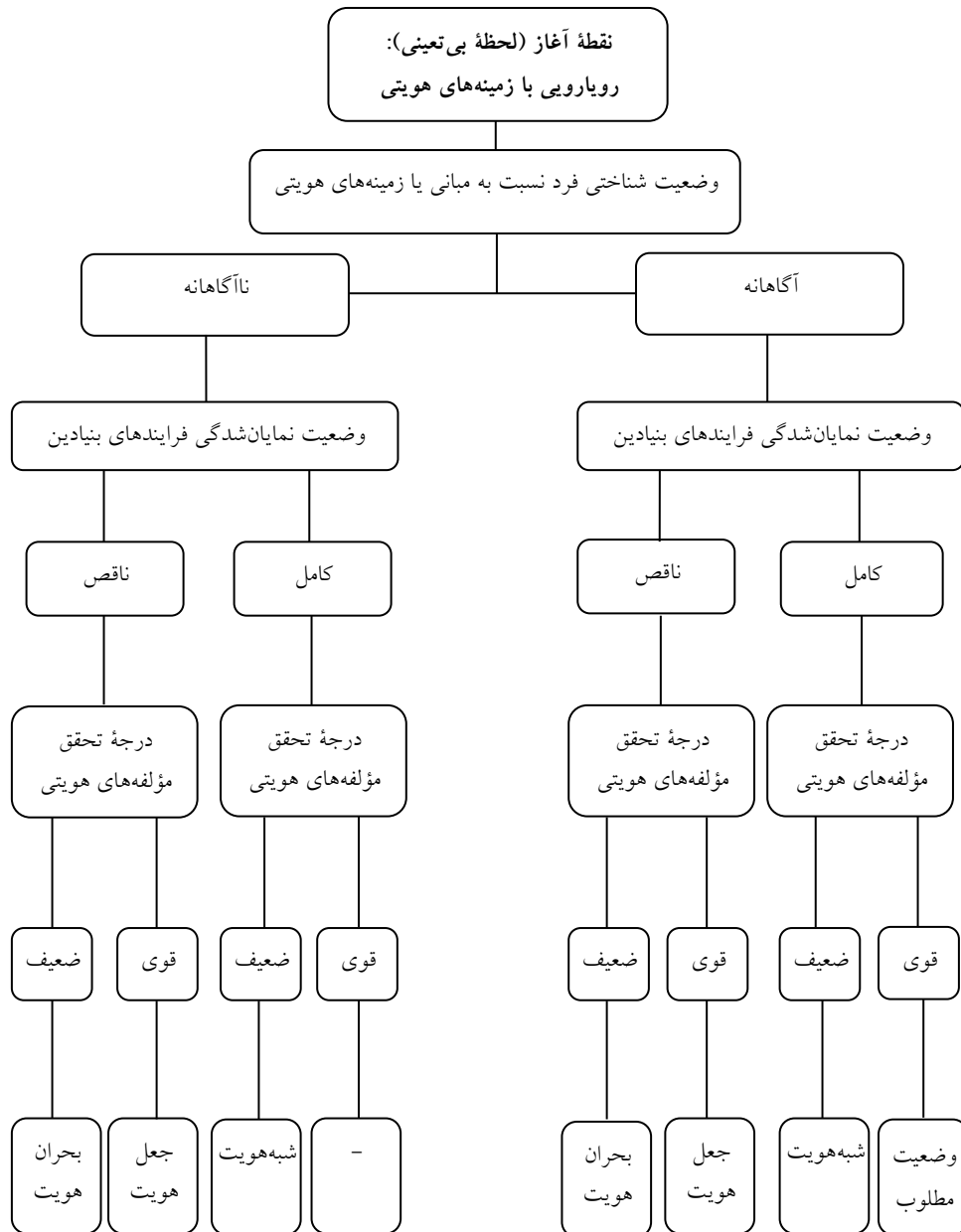
در این پژوهش به منظور اعتبارسنجی پژوهش از روش مسیر ممیزی استفاده شده است. در روش مسیر ممیزی، محقق مسیری را که در طول پژوهش طی کرده به صورت مرتب و ترتیب زمانی ثبت می‌کند. (لینکن و گوبا، ۱۹۸۵، ص ۱۴۶، به نقل از میکات و مورهاوس). برای افزایش اعتبار پژوهش، نتایج تحلیل و بررسی پس از اعمال نظر پنج نفر از صاحب‌نظران و خبرگان عرصه هویت اسلامی- ایرانی، جمع‌بندی و اصلاحات لازم صورت گرفت. به‌منظور پایایی و اعتباریابی یافته‌ها و نتایج نوشتار، ضریب توافق نمره‌گذاران برای واحدهای تحلیل تخصیص داده‌شده صورت گرفت.

چارچوب نظری

مدل هویتی موردنظر نگارنده در این پژوهش، مجموعه‌ای سه‌عضوی (ذاکری، ۱۳۹۴) که در ابتدایی‌ترین شکل، به صورت زیر نمایش داده می‌شود.



براساس مدل مورد نظر، آغاز فرایند هویت‌یابی، رویارویی فراگیر با زمینه‌های هویتی و پایان آن با استقرار وضعیت هویتی در فرد است. شکل خلاصه‌شده مدل مورد نظر در شکل ۱ قابل مشاهده است.



شکل ۱. نمودار روند تحقق وضعیت‌های هویتی

سه عنصر مدل به شرح زیر هستند.

۱. زمینه‌های هویتی به‌عنوان منبع‌ها و بنگاه‌های معنایی هویت‌یابی

در ارتباط با مبانی هویتی باید گفت که مبانی نقش مصالح و امکانات هویت‌یابی را ایفا می‌کند. مبانی، مجموعه بافت‌ها، موقعیت‌ها، حالات درونی، مفاهیم و پدیده‌هایی است که امکان رویارویی با آن‌ها برای فرد وجود داشته باشد و فرد عملاً آن‌ها را تجربه کند (ذاکری، ۱۳۹۴).

۲. مؤلفه‌های هویتی به‌عنوان بایدها و ضروریات هویت‌یابی

بر مبنای یافته‌های پدیدارشناختی از فرایند هویت‌یابی، آن‌طور که در مدل پژوهشگران^۱ حاصل آمده است، می‌توان مؤلفه‌های هویت را به گونه زیر طبقه‌بندی کرد.

جدول ۱. مؤلفه‌های هویتی

مؤلفه اصلی	مؤلفه‌های مرتبط	شرح مؤلفه
ارتباط	پذیرش، پیوند، تعهد	جریان هویت‌یابی، جریان برقراری روابط و مجموعه‌ای از رویارویی‌هایی است که برای فرد ایجاد می‌شود. یک ارتباط هویتی، می‌تواند ارتباط با خود اعم از خود درونی و متعلقات فردی، ارتباط با دیگری، ارتباط با طبیعت، ارتباط با وجود برتر ماورای طبیعی، ارتباط با فرهنگ، ارتباط با مکان و از این قبیل روابط باشد.
آگاهی	ادراک شخصی، معناداری	هویت در پی یک درک و فهم شخصی از خود ایجاد می‌شود. در پی تصویری که فرد از خود به‌عنوان تصرف‌کننده یک وضعیت مشخص، ادراک می‌کند، زمینه شکل‌گیری هویت برای وی فراهم می‌شود. در جریان چنین بازشناسی است که فرد قادر خواهد بود به این سؤال که «من چه کسی هستم» پاسخ دهد.
ارزشمندی	تأییدپذیری	فرد زمینه‌ای را به‌عنوان هویت خود برمی‌گزیند که هم از سوی جمع و هم از سوی خودش، ارزشمند تلقی شود. تجربه احساس ارزشمندی در ارتباط با یک زمینه هویتی، بخشی از هویت وی است. این تلقی برای وی برانگیزاننده و محترم است.
وحدت	هماهنگی، کلیت، جهت‌مندی، طرح‌مندی	باوجود مواضع گوناگون اجتماعی و تصورات متفاوتی که از خود داریم و تصویرهایی که از سوی اجتماع، به ما منعکس می‌شود، درک واحدی از خود وجود دارد؛ به عبارتی با یک خود و من درونی روبه‌رو می‌شویم. این خودهای مختلف که فرد در موقعیت‌های مختلف از خود نمایش می‌دهد، از وحدت برخوردار بوده و در یک شخص واحد جریان دارد.

۱. شرح مدل مطرح شده در این پژوهش در رساله دکتری نگارندگان موجود است.

شرح مؤلفه	مؤلفه‌های مرتبط	مؤلفه اصلی
معنایی از ثبات هویتی، باوجود تغییرات زیاد رشدی در طول دوره زندگی، حفظ می‌شود. از مشخصه‌های یک وضعیت هویتی در ارتباط با این مؤلفه، چنین است، که فرد با گذشت زمان همچنان، رفتارهای متناسب با زمینه هویتی را نمایش می‌دهد؛ ثبات آندیشه و عمل در فرد وجود دارد.	تداوم	ثبات
فرد در موقعیت‌های واقعی و علنی، نشانه‌هایی از زمینه هویتی را در خود نمایان می‌سازد و در این صورت است که می‌توان از هویت فردی سخن گفت. انسان به‌گونه‌ای فعالانه و با مشخصه‌های گفتاری و عملیاتی نشان می‌دهد که وجود دارد؛ نمی‌توان گفت که فردی خود را متعهد و درگیر یک زمینه هویتی بداند، اما در عمل، هیچ‌یک از مشخصه‌ها و استانداردهای آن زمینه را در خود بروز ندهد.	انعکاس، تمایز، دل‌مشغولی	نشان‌مندی
فرد نسبت به آن دسته از زمینه‌های هویتی گرایش نشان می‌دهد که هم خود از شکوه و قدرت برخوردار باشد و هم دامنه توانایی‌ها و عزت نفس وی را توسعه دهد. اقتدار چنین زمینه‌هایی از هویت باید به‌قدری باشد که برای فرد باشکوه و باعظمت جلوه کند و اساساً فرد تا چنین سطحی از نیرومندی، جلال و غرور را در آن نیابد، به‌سمت آن زمینه‌ها سوق نمی‌یابد	برجستگی، کارایی	اقتدار
هویت در انزوا و سکون تعیین نمی‌یابد. برای هویت‌یابی فرد به‌گونه‌ای تجربی و عملیاتی درگیر زمینه هویتی می‌شود که با آن روبه‌رو است. وی در میداین واقعی و طبیعی از خود عمل‌کردهایی متناسب با زمینه هویتی را بروز می‌دهد. در جریان چنین تجاربی که عمدتاً فرد عامل فعال و طراح است، هویت تعیین می‌یابد (ذاکری، ۱۳۹۴).	-	تجربه

۳. فرایندهای بنیادین هویت‌یابی به‌عنوان مراحل و سطوح اساسی جریان هویت‌یابی شامل سه فرایند خروج از بی‌تعینی، اعلام حضور و استقرار هویتی

بر اساس این مدل، شروع فرایند هویت‌یابی با قرارگرفتن فرد در یک زمینه مبنایی هویتی است. پس از اینکه فرد با یک زمینه هویتی مواجه شد، یک تصویر اولیه از حضور در آن زمینه ویژه برای وی حاصل می‌شود که معادل با فرایند خروج از بی‌تعینی است. فرد در راستای توسعه این تصویر، نشانه‌هایی از وضعیت جدید هویتی را در خود بروز می‌دهد.

چنانچه دو مواجهه با زمینه‌های هویتی و شکل‌گیری مؤلفه‌های هویتی به‌گونه مطلوبی طی شود

و معیارهای مربوط به هر یک از مؤلفه‌های هویتی نیز برای فرد محقق شود، فرد وارد مرحله استقرار هویتی می‌گردد که در این مرحله، وضعیت هویتی در فرد درونی و تثبیت می‌شود. در این پژوهش، با توجه به مدل فوق، منظور از هویت اسلامی-ایرانی از نظر نگارنده، بخشی از نظام هویتی فراگیر است که متأثر از عناصر و زمینه‌های ملی و دینی در بافت جامعه اسلامی-ایرانی و بستر تعلیم و تربیت رسمی و عمومی با طی فرایندهای هویتی در ارتباط و تجانس با سایر ابعاد هویتی برای وی ایجاد می‌شود. هویت مطلوب اسلامی-ایرانی، وضعیتی است که فرایند هویت‌یابی برای فراگیر در عناصر سه‌گانه خروج از بی‌تعینی، اعلام حضور و استقرار هویتی به نحو صحیحی به انجام رسیده است، همچنین، رویارویی فرد با زمینه و مبنای هویتی از روی آگاهی بوده، همه مؤلفه‌های هویتی هشتگانه شامل ارتباط، آگاهی، ارزشمندی، وحدت، ثبات، نشان‌مندی، اقتدار و تجربه در وی به ظهور رسیده و به عبارتی این مؤلفه‌ها در وی محقق شده باشد. چنانچه هر یک از مراحل سه‌گانه مدل ذکرشده، محقق نشود، فراگیر درگیر یکی از حالت‌های بحران هویتی، جعل هویت و شبه‌هویت می‌شود.

یافته‌های پژوهش

با توجه به مباحث مطرح‌شده، در این بخش از پژوهش بر مبنای تعریفی که از فرایند هویت‌یابی مطلوب اسلامی-ایرانی مطرح کردیم، به شناسایی و تبیین مجموعه آسیب‌های فرایند هویت‌یابی فراگیران در نظام تعلیم و تربیت ایران در چارچوب هویت اسلامی-ایرانی می‌پردازیم. باید به این نکته اشاره کنیم که مؤلفه‌های مندرج در مدل هویتی که شرح آن گذشت، موضعی هست که مبنا قرار داده شده است و براساس آن به نقد و ایده‌پردازی پیرامون نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران در چارچوب هویت اسلامی-ایرانی پرداخته شده است. به عبارتی وضعیت موجود تعلیم و تربیت رسمی عمومی بر مبنای مؤلفه‌های هویتی مطرح شده از سوی نگارنده تحلیل و بررسی شد و آسیب‌های هویتی فراگیران در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی شناسایی و تبیین شده است. در جدول ۲ مجموعه آسیب‌های شناسایی شده از سوی نگارنده، طرح و تبیین شده است:

جدول ۲. آسیب‌های هویتی

شرح آسیب‌های هویتی	آسیب‌های هویتی	ردیف
<p>اگرچه در بحث بازنویسی کتاب‌های درسی در جهت محور قراردادن هویت اسلامی-ایرانی برای فراگیران تلاش‌های ارزشمندی صورت گرفته است، اما بازتولید با گستردگی که سند به آن اشاره داشته، صورت نگرفته است. در همراستاسازی بیش دست‌اندرکاران حوزهٔ تعلیم و تربیت و روش‌ها و زیرساخت‌های آموزشی جای بازناندیشی وجود دارد تا بتوان انتظار یک مجموعهٔ هویت‌ساز اسلامی-ایرانی را از نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی داشت. ملاحظه می‌شود عموم معلمان و مجریان عمل تربیتی در سطح مدارس، خود از مؤلفه‌های هویت‌ساز اسلامی-ایرانی از یک طرف و فرایندها و مؤلفه‌های هویت‌آفرین از سوی دیگر ناگاه هستند و حتی بعضاً در سطح مولفین کتاب‌های درسی و کارکنان سطوح عالی نظام تعلیم و تربیت از دانش و عزم کافی در این راستا برخوردار نیستند.</p>	<p>عدم بازخوانی و بازتولید همه‌جانبهٔ اجزای نظام تعلیم و تربیت در جهت هویت‌آفرینی مطلوب اسلامی-ایرانی به فراگیران</p>	۱
<p>تغییرات بایستی هم‌زمان و به‌طور یکپارچه، هماهنگ و هم‌جهت در بخش‌های مختلف نظام تعلیم و تربیت صورت گیرد تا مسیر هویت‌یابی مخاطبان نیز یکپارچه و منسجم طی شود که دربارهٔ نظام تعلیم و تربیت ما ناهماهنگی‌هایی در این خصوص دیده می‌شود. یک برنامهٔ منسجم که از دورهٔ ابتدایی تا متوسطه، مؤلفه‌های هویت‌مندی اسلامی-ایرانی را در محتوای کتب درسی و روش‌های پیاده‌سازی این مؤلفه‌ها در وجود فراگیران در بر گیرد هنوز تدوین نشده و صرفاً به‌طور پراکنده در این خصوص عمل شده است. حتی برنامه‌ای برای هویت‌سازی اسلامی و ایرانی برای معلمان بخصوص دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان نداریم و جالب این هست که نه در برنامهٔ درسی دانشگاه فرهنگیان و در دوره‌های ضمن خدمت فرهنگیان واحد درسی به این منظور برنامه‌ریزی نشده است.</p>	<p>عدم هماهنگی تغییرات درون نظام تعلیم و تربیت در راستای هویت‌بخشی اسلامی-ایرانی به فراگیران</p>	۲
<p>در مسیر هویت‌یابی اسلامی-ایرانی به فراگیران در یک مرحله دربارهٔ ظرفیت زمینهٔ هویتی، پژوهش به عمل آمده و اطمینان حاصل می‌شود و در مرحلهٔ دوم با طی فرایندهای جداگانه، فرایند هویت‌یابی صورت می‌گیرد. در سند برنامهٔ درسی، مرحلهٔ اول به‌گونه‌ای نسبتاً مطلوب صورت گرفته است اما فرایندها به‌شکل مطلوب، طی نشده است. تمامی اجزا و عناصر نظام تعلیم و تربیت بایستی در میدان عمل، مسیر مطلوب هویت اسلامی-ایرانی را بیمایند تا توان هویت‌بخشی اسلامی-ایرانی به فراگیران را پیدا کنند. صرف تدوین یک سند مکتوب به‌معنای طی شدن فرایند هویت‌یابی نیست، اگرچه بخشی از فرایند است. در واقع، در میدان عمل، برنامه‌های عملیاتی که به اهداف تعریف‌شده در اسناد بالادستی، جامهٔ عمل بپوشاند، دیده نمی‌شود.</p>	<p>عدم مطلوبیت فرایندهای درون‌ساختاری تعلیم و تربیت در جهت هویت‌آفرینی اسلامی-ایرانی به فراگیران</p>	۳

شرح آسیب‌های هویتی	آسیب‌های هویتی	ردیف
ثبات درباره برنامه‌ها و روش‌های آموزشی برای هویت‌بخشی مطلوب به فراگیران کمتر به چشم می‌آید. هر گروه برنامه‌ریز که روی کار می‌آیند، بدون توجه به برنامه‌ای قبلی و با اعمال تغییرات ناگهانی و گسترده، برنامه‌های خود را اجرا می‌کند. برای مثال تغییر یک‌باره ساختار دوره‌ای آموزشی به وضعیت ۶-۳-۳، تعطیلی پنج‌شنبه‌ها، آوردن نظام ارزشیابی توصیفی بدون تغییر نگرش معلمان از کمی به کیفی، تاسیس مجتمع‌های آموزشی که البته بیشتر در حد حرف و حالت صوری باقی ماند، همچنین، کنار گذاشتن معلمان راهنما در دولت قبلی و کنار گذاشتن مجتمع‌های آموزشی و آوردن دوباره معلمان راهنما در دولت جدید است.	عدم ثبات برنامه‌های نظام تعلیم و تربیت در مسیر هویت‌بخشی به فراگیران	۴
در حوزه عمل، تعلیم و تربیت دینی در مسیر هویت‌بخشی اسلامی با آسیب‌هایی مواجه است. از جمله این آسیب‌ها می‌توان به عدم تفهیم و تحلیل آموزه‌های دینی توسط مربیان برای فراگیران، به‌کارگیری واژه‌های سخت و نامانوس برای مخاطبان، عدم توجه به ایجاد حس مذهبی و استفاده از روش‌های سنتی صرف، اجبار و الزام و بی‌توجهی به آزادی و آگاهی‌مندی، عدم توجه به تفاوت‌های فردی، عدم دعوت عملی و مطابقت قول و فعل مربیان و عدم تداوم برنامه‌ها اشاره داشت.	عدم به‌کارگیری راهبردها و روش‌های مناسب آموزشی در مسیر هویت‌بخشی اسلامی	۵
نظام تعلیم و تربیت از سطح کلان تا سطح خرد، برای اینکه بتواند مأموریت هویت‌بخشی اسلامی-ایرانی برای فراگیران را با موفقیت به انجام رساند بایستی نسبت به فرایند هویت‌بخشی اسلامی-ایرانی ایده مشخصی داشته باشد و این دانش را به همه عناصر خود منتقل کند. درباره نظام تعلیم و تربیت ما، چنین ایده‌ای وجود ندارد و در میدان عمل، صرفاً به انتقال اطلاعات در خصوص نمادها و مؤلفه‌های هویتی اسلامی-ایرانی به فراگیران اکتفا می‌شود.	عدم وجود ایده مشخصی از فرایند هویت‌یابی اسلامی-ایرانی	۶
جریان هویت‌یابی اسلامی-ایرانی فراگیران زمانی برای فراگیر به‌گونه مطلوبی محقق می‌شود که معلم به‌عنوان مجری عمل تعلیم و تربیت از یک هویت سالم و مطلوب اسلامی-ایرانی برخوردار باشد. موقعیت شغل معلمی در کشور به‌گونه‌ای نیست که افراد، با رغبت و علاقه به سمت آن روی آورند. هویت شغلی از یک سو و هویت اسلامی-ایرانی آموزشگران از سوی دیگر، یک چالش عمده برای بسیاری از معلمان نظام آموزشی ما است، به‌طوری که مؤلفه‌ها حداقلی را بعضاً در خود ندارند.	ضعف در هویت اسلامی-ایرانی شاغلان حوزه تعلیم و تربیت	۷
مسئله مهم و کلیدی در ارتباط با هویت شغل معلمی، پذیرش و تأیید جمعی این شغل از سوی جامعه ملی و جهانی است به‌طوری که یک وضعیت مطلوب هویتی، زمانی محقق می‌شود که حرفه معلمی از درجه تأییدپذیری و ارزشمندی بالایی از سوی کل فضای جامعه برخوردار بوده و این معنا از برجستگی این حرفه، از سوی خود آموزگار به‌گونه ملموسی فهم شود. در این خصوص نظام تربیت معلم ما در هویت‌بخشی اسلامی-ایرانی به دانشجو معلمان موفقیت چندانی به‌دست نیاورده است. طبیعی هست، معلمی که خود مسیر هویت‌یابی اسلامی-ایرانی را به نحو مطلوب طی نکرده باشد در انجام این مهم برای فراگیرانش با مشکلاتی مواجه شود.	ضعف نظام تربیت معلم در هویت‌آفرینی اسلامی-ایرانی	۸

ردیف	آسیب‌های هویتی	شرح آسیب‌های هویتی
۹	عدم رعایت ملاک‌های هویت اسلامی- ایرانی در معماری اماکن آموزشی که قصد هویت‌آفرینی اسلامی- ایرانی به فراگیران را دارند.	در ارتباط با نوع معماری مدارس و ساختمان‌های آموزشی چنانچه نمادهای ملی و نشانه‌های فرهنگی و اصول معماری سنتی رعایت شده باشد، هم خود از هویت برخوردار خواهد بود و هم اینکه در هویت‌یابی اسلامی- ایرانی فراگیران اثرگذار می‌شود. از این رو، نیاز است که ساختار تعلیم و تربیت اعم از ساختار فیزیکی، اداری و آموزشی از نمادهای هویتی مشخص اسلامی- ایرانی برخوردار باشند. در ارتباط با نوع معماری مدارس ما، این ملاک‌ها به‌صورت حداقلی هم یافت نمی‌شود. مدرسه به‌عنوان یک ملاک فرهنگی و فرهنگ‌ساز باید برخوردار از نشانه‌های دینی، فرهنگی و ملی و مطابق با معماری بومی باشد تا در هویت‌آفرینی اسلامی- ایرانی فراگیران مؤثر واقع شود.
۱۰	عدم موفقیت در ایجاد شرایط یادگیری معنی‌دار برای فراگیران در مسیر هویت‌یابی اسلامی- ایرانی	نظام آموزشی ما هنوز در ایجاد معنا در فراگیران که تنها یک مؤلفه در مسیر یادگیری مطلوب که همان هویت‌یابی اسلامی- ایرانی مطلوب است، در مانده است و مسیر زیادی در پیش دارد تا همه شرایط را به‌گونه‌ای تغییر دهد که امکان طی تمامی فرایندهای هویتی برای فراگیران را ممکن سازد. برای اینکه مؤلفه‌های هویتی اسلامی- ایرانی در وجود دانش‌آموزان رسوخ کند، نیاز به روش‌های آموزشی معناآفرین و سازنده‌گرا و فراگیرمحور هست که کمبود چنین روش‌هایی در وضعیت فعلی آموزش مدارس ما به‌وضوح دیده می‌شود.
۱۱	عدم وجود امکانات و زیرساخت‌های مناسب در سطح مدارس برای هویت‌بخشی به فراگیران	بسیاری از مدارس ایران به‌ویژه در مناطق محروم حتی از یک فضای فیزیکی مناسب نیز بی‌بهره‌اند. در چند سال اخیر حتی سرانه مدارس هم به‌میزان چشم‌گیری کاهش یافته است. تنها مدارس خاص مثل غیر انتفاعی، شاهد و هیئت امنایی قادر به تأمین مخارج مدرسه هستند و سایر مدارس حتی در تأمین هزینه آب و برق مدرسه ناتوان هستند و بخش زیادی از انرژی مدیر، به‌جای اینکه صرف مدیریت زمینه‌ها و جریان هویتی اسلامی- ایرانی فراگیران شود، صرف تأمین هزینه و امکانات اولیه می‌شود. کمبود قدرت مالی نهاد آموزش و پرورش، از اقتدار و اعتبار این نهاد در سطح جامعه کاسته و این امر، با تضعیف مؤلفه اقتدار، زمینه‌ساز بحران هویتی این نهاد را فراهم می‌کند که قطعاً به بحران هویتی فراگیران در ابعاد مختلف به ویژه بعد اسلامیت و ایرانی‌ت منجر می‌شود.
۱۲	رویکرد دیکته‌ای و مقلد بار آوردن در سطح آپ	مسیری که به جریان هویتی مطلوب اسلامی- ایرانی می‌انجامد، مسیری نیست که به‌واسطه تقلید و دیکته‌کردن یا اعمال فشار و رویکردی تحمیلی پیموده می‌شود، بلکه مسیری است که فرد، خلاقانه و باتوجه به وضعیت موجود هویتی و شناخت از زمینه‌های جدید می‌پیماید. چنانچه نظام تعلیم و تربیت بخواهد زمینه‌ساز هویت‌های مطلوب اسلامی- ایرانی شود، باید دست به یک تغییر وسیع معنایی زده و معنای دیکته‌کردن و مقلد بار آوردن را که در سطح مدارس و در صحنه عمل، کم هم به‌چشم نمی‌آید، کنار گذارد چراکه هرگونه رویکرد دیکته‌ای در آموزش و پرورش با حذف مؤلفه پذیرش از سوی فراگیران به‌عنوان یک مؤلفه کلیدی و پایه هویتی، قطع به یقین در مسیر هویت‌بخشی اسلامی- ایرانی با شکست مواجه خواهد شد.

شرح آسیب‌های هویتی	آسیب‌های هویتی	ردیف
<p>یک نظام تعلیم و تربیت هوشمند، هیچ‌گاه بدون بررسی دقیق نظام‌های آموزشی دیگر کشورها و به‌دست‌آوردن دانش کافی از آن‌ها، صرفاً به‌این‌خاطر که آن نظام تعلیم و تربیت در جامعه خود، توانسته است در هویت‌بخشی به فراگیران کارساز باشد، دست به تقلید، نخواهد زد چراکه نه‌تنها در ایفای نقش هویت‌بخشی به فراگیران موفقیتی به‌دست نمی‌آورد، بلکه زمینه ایجاد بحران هویتی برای ایشان را فراهم می‌کند. هرگونه ناهمخوانی بین محتوای وارداتی با محتوای موجود و بومی نظام تعلیم و تربیت که در مواردی هم به چشم می‌آید، هویت‌یابی اسلامی - ایرانی فراگیران را تهدید می‌کند. به نظر می‌رسد، در مواردی از جمله محتوای برنامه‌های آموزشی، ساختار دوره‌های تحصیلی و برخی طرح‌های کوتاه‌مدت، عناصر و مؤلفه‌های هویت‌افزینی اسلامی - ایرانی فراگیران، محور و مبنا قرار داده نشده است.</p>	<p>عدم دقت کافی در مطالعات و تأثیرپذیری‌های تطبیقی در سطح نظام تعلیم و تربیت بامحوریت هویت‌یابی اسلامی - ایرانی فراگیران</p>	<p>۱۳</p>
<p>یکی از مشکلات نظام آموزشی ما تأکید بر روش‌های سنتی آموزش و بی‌توجهی به روش‌های فراشناختی در مسیر هویت‌بخشی اسلامی - ایرانی به فراگیران است که بایستی با ترویج روش‌هایی از جمله خودتنظیم‌گری و اکتشافی در جهت رفع این نقیصه اقدام شود. درحال حاضر روشهای آموزشی مدارس ما در دروسی مثل هدیه‌های آسمانی و بینش اسلامی، فارسی و مطالعات اجتماعی که نقش برجسته‌ای در هویت‌بخشی اسلامی - ایرانی به فراگیران دارد، سنتی و منفعل بوده و به‌جای تقویت تفکر فراشناختی فراگیران، نگاه حفظ‌کردن را در ایشان پدید می‌آورد.</p>	<p>بی‌توجهی به روش‌های فراشناختی در هویت‌بخشی به فراگیران در سطح آموزش و پرورش</p>	<p>۱۴</p>
<p>در این ارتباط نیز یکی از مشکلات نظام آموزشی ما تأکید بر روش‌های آموزش محور و بی‌توجهی به روش‌های پژوهش محور در مسیر هویت‌بخشی اسلامی - ایرانی به فراگیران است که بایستی با ترویج روش‌هایی از جمله پروژه علمی درجهت رفع این نقیصه اقدام شود.</p>	<p>بی‌توجهی به روش‌های پژوهش محوری در هویت‌بخشی به فراگیران در سطح آموزش و پرورش</p>	<p>۱۵</p>
<p>در نظام‌های تعلیم و تربیت معمولاً دانش آموز یک دیگری به‌شمار می‌رود که بناست به همان تبدیل شود که موردنظر این نظام‌هاست. حتی معلم به‌عنوان جزئی از ساختار، ابزار تبدیل دانش آموز به موجودی می‌شود که دیگر بودگیش منحل است. این مسئله درمورد نظام تعلیم و تربیت ما نیز مطرح است. صرف دیکته‌کردن مؤلفه‌های هویتی اسلامی - ایرانی به فراگیران با یک برنامه آموزشی یک‌طرفه و معلم محور، در این خصوص کارگشا نیست. هویت‌یابی در مسیر اسلامیت و ایرانیت چیزی نیست که بتوان به فراگیران تزریق کرد، بلکه لازم است، دریک برنامه آموزشی مشخص دنبال شود که نظام آموزشی ما به‌میزان زیادی فاقد این مهم است.</p>	<p>از پیش تعریف‌شدگی هویت اسلامی - ایرانی محصول (فراگیر) در سطح نظام تعلیم و تربیت</p>	<p>۱۶</p>

ردیف	آسیب‌های هویتی	شرح آسیب‌های هویتی
۱۷	عدم تحقق سناریوی فرهنگی و فرهنگی آموزشی برای فراگیران در مسیر هویت‌یابی اسلامی- ایرانی	سناریوی فرهنگی دانش عمومی درباره پدیده یا رویدادی است که در ذهن شرکت‌کنندگان وجود دارد. این سناریوها رفتار را هدایت می‌کنند و همچنین، به شرکت‌کنندگان می‌گویند که چه انتظاراتی باید داشته باشند. آموزش سناریوی فرهنگی و در مفهوم وسیعتر کلمه، فعالیت فرهنگی به‌طور ضمنی از طریق مشاهده و مشارکت صورت می‌گیرد و نه از راه مطالعه آگاهانه. درخصوصی هویت‌یابی اسلامی- ایرانی فراگیران، این سناریو به نحو مطلوب صورت نگرفته است.
۱۸	عدم بازسازی مداوم هویت اسلامی- ایرانی فراگیران در برخورد با پدیده‌های جدید به‌ویژه فضای مجازی	یکی از معضلات عمده تعلیم و تربیت ما بحث بازسازی هویتی است که همواره به‌کندی پیش رفته است. بازسازی هویتی در فضای تعلیم و تربیت برای فراگیران لازم است، چراکه ثبات هویتی به دلیل تغییرات اجتماعی و فرهنگی که به تغییر زمینه‌های هویتی و ایجاد تردید در زمینه‌های قبلی هویتی فراگیران می‌انجامد، یک حالت همیشگی نیست و نیاز به بازبینی وجود دارد. در این بین، مؤلفه‌های بعد اسلامی- ایرانی هویت فراگیران متناسب با تحولات فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی در سطح دنیا بایست، متحول و به‌روز شود.
۱۹	عدم تنوع زمینه‌های هویتی فراگیران	در خصوص نظام آموزشی کشور، آن‌طور که در سند برنامه درسی آمده است، این تنوع دیده نمی‌شود. در متن سند در مواردی به زمینه‌های اسلامیت و ایرانیت در فرایند هویت بخشی اسلامی- ایرانی برای فراگیران اشاره شده است و سایر زمینه‌ها به نظر می‌رسد، مغفول واقع شده است. این مسئله، یک محدودیت برای یک نظام تعلیم و تربیت در عصر جهانی شدن است که می‌خواهد فراگیری برای ایفای نقش در عرصه بین‌المللی پرورش دهد.
۲۰	آسیب‌های مربوط به هویت خود نظام تعلیم و تربیت	زمانی که یک زمینه هویتی در مرکز قرار گیرد، سایر زمینه‌ها را به حاشیه رانده و تأثیر آن‌ها را در عمل به حداقل می‌رساند. با اینکه ایرانیت و به‌طور کلی، ملیت، رشته‌های مختلف دانشی و تجارب و یافته‌های موفق آموزشی جهان، زمینه‌های عمده هویتی هستند اما کمتر در برنامه مدرسی ملی به آن‌ها پرداخته شده است و به‌نظر می‌رسد، در حاشیه واقع شده و تحت الشعاع آن است.
۲۱	عدم سازگاری درونی زمینه‌های موجود هویتی برای فراگیران	یک نظام تعلیم و تربیت هویت‌مند، نظامی است که در درون و بین بخش‌های مختلف خود از پیوند و هم‌بستگی برخوردار باشد. هر زمان که در بدنه تعلیم و تربیت انتظام درونی، پذیرش مسئولیت و احساس تعهد نسبت به زمینه‌های هویتی و انتظارات محوله از سوی وضعیت هویتی ریشه بدواند و محیط تعلیم و تربیت، محیط همکاری، وفاداری و تشریک مساعی باشد، می‌توان انتظار یک هویت مشخص برای فراگیران داشت که در این خصوص اشکالاتی در نظام تعلیم و تربیت وجود دارد. بین ابعاد اسلامی و ایرانی بودن هویتی فراگیران با سایر زمینه‌های هویتی که ایشان با آن مواجه می‌شوند، همگنی مطلوب ملاحظه نمی‌شود.

شرح آسیب‌های هویتی	آسیب‌های هویتی	ردیف
<p>صرف تعیین زمینه‌های هویتی و در تماس قرارگرفتن با آن، هویتی را به‌بار نمی‌آورد. در مورد نظام تعلیم و تربیت ما، به‌نظر می‌رسد همه فرایندهای هویتی اسلامی- ایرانی برای فراگیران پیموده نشده است و اگرچه اشاراتی به فرایندهای معنایی، ارزشمندی و کارایی یا کارآمدی در متن سند شده است، درباره سایر فرایندها و مؤلفه‌ها کمتر سخن به‌میان آمده و تنها به‌صورت پراکنده به برخی از این مؤلفه‌ها توجه نشان داده شده است. به‌نظر می‌رسد این سند، مانند قبل، توصیفی از وضعیت آرمانی نظام تعلیم و تربیت برای تعلیم‌دیدگان جمهوری اسلامی ایران باشد.</p>	<p>عدم طی شدن فرایندهای هویتی اسلامی- ایرانی برای فراگیران</p>	۲۲

بر اساس تعریفی که نگارنده در بخش قبلی از هویت مطلوب اسلامی ایرانی ارائه دادند، وضعیت مطلوب شکل‌گیری هویتی، وضعیتی است که فرایند هویت‌یابی برای فراگیر در عناصر سه‌گانه خروج از بی‌تعینی، اعلام حضور و استقرار هویتی به‌نحو صحیحی انجام شده است، رویارویی فرد با زمینه و مبنای هویتی از روی آگاهی بوده، همه مؤلفه‌های هویتی هشتگانه شامل ارتباط، آگاهی، ارزشمندی، وحدت، ثبات، نشان‌مندی، اقتدار و تجربه در وی به‌ظهور رسیده باشد. اما بر اساس یافته‌های جدول فوق، این‌طور استنباط می‌شود که وضعیت فعلی هویتی اسلامی ایرانی فراگیران مطلوب نیست. وجود چهار آسیب شامل عدم طی شدن فرایندهای هویتی اسلامی- ایرانی برای فراگیران، ضعف در هویت اسلامی- ایرانی شاغلان حوزه تعلیم و تربیت، ضعف نظام تربیت‌معلم در هویت‌آفرینی اسلامی- ایرانی و عدم مطلوبیت فرایندهای درون‌ساختاری تعلیم و تربیت در جهت هویت‌آفرینی اسلامی- ایرانی به فراگیران، آن‌گونه که شرح آن‌ها در جدول فوق گذشت، نشان‌دهنده این است که فرایند هویت‌یابی برای فراگیر در عناصر سه‌گانه خروج از بی‌تعینی، اعلام حضور و استقرار هویتی به‌نحو صحیحی به‌انجام نرسیده است. طرح چهار آسیب، نبود ایده مشخصی از فرایند هویت‌یابی اسلامی- ایرانی، عدم موفقیت در ایجاد شرایط یادگیری معنادار برای فراگیران در مسیر هویت‌یابی اسلامی- ایرانی، رویکرد دیکته‌ای و مقلدبار آوردن در سطح آپ و بی‌توجهی به روش‌های فراشناختی در هویت‌بخشی به فراگیران در سطح آموزش و پرورش بیانگر این است که مؤلفه آگاهی از یک طرف و رویارویی آگاهانه با زمینه‌های هویتی از سوی دیگر در فرایند هویت‌یابی اسلامی- ایرانی فراگیران طی نشده است. وجود دو آسیب بی‌توجهی به روش‌های پژوهش‌محوری در هویت‌بخشی به

فراگیران در سطح آموزش و پرورش و عدم تحقق سناریوی فرهنگی و فرهنگ آموزشی برای فراگیران در مسیر هویت‌یابی اسلامی - ایرانی نشان از عدم تحقق مؤلفه ارتباط در فرایند هویت‌یابی اسلامی - ایرانی فراگیران است. وجود سه آسیب، عدم بازخوانی و بازتولید همه‌جانبه اجزای نظام تعلیم و تربیت و عدم هماهنگی تغییرات درون نظام تعلیم و تربیت در راستای هویت‌بخشی اسلامی - ایرانی به فراگیران و عدم سازگاری درونی زمینه‌های موجود هویتی برای فراگیران گویای عدم تحقق مؤلفه وحدت است. طرح سه آسیب، عدم ثبات برنامه‌های نظام تعلیم و تربیت در مسیر هویت‌بخشی به فراگیران، عدم بازسازی مداوم هویت اسلامی - ایرانی فراگیران در برخورد با پدیده‌های جدید به‌ویژه فضای مجازی و عدم جامعیت و استقلال مؤلفه‌های هویتی فراگیران در جدول فوق بیان‌کننده عدم تحقق مؤلفه ثبات در فرایند مطلوب هویتی اسلامی - ایرانی فراگیران است. وجود دو آسیب، عدم رعایت ملاک‌های هویت اسلامی - ایرانی در معماری اماکن آموزشی و عدم دقت کافی در مطالعات و تأثیرپذیری‌های تطبیقی در سطح نظام تعلیم و تربیت با محوریت هویت‌یابی اسلامی - ایرانی فراگیران نشان‌دهنده عدم تحقق مؤلفه نشان‌مندی در فرایند مطلوب هویتی است. دو آسیب عدم تنوع زمینه‌های هویتی فراگیران و نبود امکانات و زیرساخت‌های مناسب در سطح مدارس برای هویت‌بخشی به فراگیران نشان‌دهنده فقدان مؤلفه اقتدار در مسیر هویت‌یابی فراگیران است و در نهایت، طرح آسیب عدم به‌کارگیری راهبردها و روش‌های فراگیرمحور آموزشی در مسیر هویت‌بخشی اسلامی بیان‌کننده عدم تحقق مؤلفه تجربه است.

بحث و نتیجه‌گیری

این نوشتار با هدف شناسایی آسیب‌های فرایند هویت‌یابی یادگیرندگان در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی به انجام رسیده است. در بحث‌هایی که صورت گرفت، مشخص شد، دو دسته از آسیب را می‌توان در ارتباط با مسئله هویت‌آفرینی اسلامی - ایرانی برای فراگیران در نظام تعلیم و تربیت کشور مطرح کرد؛ دسته اول مربوط به میدان عمل تعلیم و تربیت و هویت‌بخشی اسلامی - ایرانی به فراگیران است که شامل هجده مقوله بوده است و دسته دوم به هویت خود نظام تعلیم و تربیت برمی‌گردد که چهار مقوله را در برمی‌گیرد. بر مبنای یافته‌های مندرج در جدول ۲ این طور

استنتاج شد که از آنجا که نه مؤلفه‌ها و نه فرایندهای هویت‌یابی به نحو مطلوب طی نشده‌اند، وضعیت فعلی هویت‌یابی فراگیران در سطح آموزش و پرورش کشور، وضعیت بحران هویتی هست. در تبیین نتایج پژوهش می‌توان گفت، از آنجا که طبق ایده نگارنده، وضعیت مطلوب شکل‌گیری هویتی، وضعیتی است که فرایند هویت‌یابی برای فراگیر به‌نحو صحیحی به انجام رسیده است، رویارویی وی با زمینه و مبنای هویتی از روی آگاهی بوده و همه مؤلفه‌های هویتی هشتگانه به ظهور رسیده باشد، انتظار می‌رود، چنانچه تعلیم و تربیت بخواهد فرایند هویت‌بخشی به فراگیران را به نحو مناسب برنامه‌ریزی و اجرا کند، تمامی معیارهای موردنظر در مدل هویتی را باید محقق کند. این در حالی است که وضعیت موجود هویت‌بخشی به فراگیران، هیچکدام از مؤلفه‌ها و عناصر هویت‌یابی مطلوب فراگیران را به‌نحو مطلوب دربر ندارد. زمانی که نظام تعلیم و تربیت، ایده مشخصی از فرایند هویت‌یابی اسلامی-ایرانی نداشته باشد، در ایجاد شرایط یادگیری معنادار برای فراگیران موفق نباشد، فراگیران را منفعل و مقلد بار آورد، طبیعتاً مؤلفه آگاهی در مسیر هویت‌یابی اسلامی-ایرانی فراگیران را فراهم نمی‌کند. وقتی بازخوانی و بازتولید همه‌جانبه اجزای نظام تعلیم و تربیت و هماهنگی تغییرات درون نظام تعلیم و تربیت، همچنین، سازگاری درونی زمینه‌های موجود هویتی برای فراگیران وجود نداشته باشد، مؤلفه وحدت در فرایند هویت‌یابی فراگیران محقق نخواهد شد. زمانی که ثبات در برنامه‌های نظام تعلیم و تربیت در مسیر هویت‌بخشی به فراگیران وجود نداشته باشد، بازسازی مداوم هویت اسلامی-ایرانی فراگیران صورت نگیرد و جامعیت و استقلال مؤلفه‌های هویتی فراگیران حفظ نشود، مؤلفه ثبات در مسیر هویت‌یابی فراگیران شکل نمی‌گیرد. زمانی که ملاک‌های هویت اسلامی-ایرانی در معماری اماکن آموزشی رعایت نشده و تأثیرپذیری‌های تطبیقی در سطح نظام تعلیم و تربیت با محوریت هویت‌یابی اسلامی-ایرانی فراگیران صورت نپذیرد، شاهد تحقق مؤلفه نشان‌مندی در مسیر هویت‌یابی فراگیران نخواهیم بود. از طرفی، یکنواخت بودن و محدودبودن زمینه‌های هویتی فراگیران و نبود امکانات و زیرساخت‌های مناسب در سطح مدارس برای هویت‌بخشی به فراگیران از اقتدار فرایند هویت‌یابی به فراگیران می‌کاهد و عدم به‌کارگیری راهبردها و روش‌های فراگیرمحور آموزشی که امکان تجربه موقعیت‌های واقعی تربیتی در مسیر هویت‌بخشی اسلامی را سلب می‌کند، به عدم تحقق مؤلفه تجربه می‌انجامد. مزید بر

این، عدم طی شدن فرایندهای هویتی اسلامی - ایرانی برای فراگیران، همگی دال بر عدم تحقق هویت مطلوب هویتی اسلامی - ایرانی برای فراگیران و وجود نوعی بحران هویتی در این خصوص است. باید یادآوری کنیم، گرچه پژوهشی با عنوان و موضوع این پژوهش صورت نگرفته است، به طور کلی، نتیجه پژوهش پیشرو با نتایج پژوهش‌های سبحانی‌نژاد و امیری (۱۳۹۴) میربلوچ زهی (۱۳۹۸)، راستگو (۱۳۹۷) و نادری (۱۳۹۷) همسو، و با پژوهش میرزاپور، زمانی مقدم و جعفری (۱۳۹۸) ناهمسو است و با نتایج سایر پژوهش‌های حوزه هویت اسلامی - ایرانی منافاتی ندارد. ضرورت دارد، آموزش و پرورش ایران به عنوان متولی رسمی فرهنگ‌سازی و تربیت نسل‌های نو با برنامه‌ریزی صحیح و استراتژی‌های روشن و کارآمد، هویت اسلامی - ایرانی را در ذهن و رفتار فراگیران شکل داده و تقویت کند. این مفهوم اگر به درستی مدیریت شود، یکی از قوی‌ترین سلاح‌های کشور در برابر هر نوع تهاجم فرهنگی و اقتصادی قلمداد می‌شود.

یادگیری امری منحصر به فرد است که برای هر فرد به گونه‌ای ویژه حاصل می‌شود و هر فراگیر معنای خاص خود را از آن دارد. به نظر نگارنده این معنا از یادگیری باید در مسیر هویت‌بخشی به فراگیران در کلاس‌های درس ما پیاده شود. در این نگاه و با چنین تعبیری از یادگیری، ملاک ارزشیابی مربی از فرایند هویت‌یابی فراگیر، ظهوریافتن وضعیت‌های هویتی به شیوه‌ای آگاهانه و معنادار در فراگیر است. تنها ملاک ارزشیابی، خود فراگیر است، نه مقایسه با سایر یادگیرندگان؛ به این صورت که آموزگار به عنوان فردی خبره با آگاهی از کیفیات و عناصر نهفته در یک زمینه هویتی، میزان تبلور این عناصر و طی شدن فرایندها و محقق‌شدن مؤلفه‌های هویتی را در ارتباط با هر فراگیر، به طور جداگانه واری کرده و با بیانی شیوا، اقدام به آشکار و علنی‌سازی آن برای فراگیر می‌کند. معلم در مقام ارزشیاب، بدین وسیله فراگیر را از وضعیت هویتیش آگاه کرده و مسیر را برای اصلاح و ترمیم هویتی برای وی روشن می‌کند. در این تعبیر از یادگیری، صرفاً کسب معنا و مفهوم‌سازی نسبت به زمینه‌ها و مضامین یادگیری، مفهوم یادگیری را نمی‌رساند، زیرا معناداری نه تنها یک مؤلفه از فرایند هویت‌یابی است، بلکه ملاک‌های مربوط به سایر مؤلفه‌های هویتی که در بحث مدل هویتی به آن اشاره داشتیم نیز باید در وجود فراگیر محقق شود که نشان‌دهنده گستردگی و چندبعدی بودن مفهوم

یادگیری دارد. به عبارتی، به تعداد ابعاد یک وضعیت هویتی، یادگیری نیز گستره دارد و همان‌طور که برای تحقق وضعیت هویتی تمامی مؤلفه‌ها و فرایندها باید محقق شوند، در ارتباط با پدیده یادگیری نیز چنین است؛ این یک نکته کلیدی است که این مفهوم از یادگیری را متمایز می‌کند. حال برای نظام‌های آموزشی که هنوز در ایجاد معنا در فراگیران که تنها یک مؤلفه در مسیر یادگیری مطلوب که همان هویت‌یابی مطلوب است، درمانده‌اند، پیمودن تمام مسیر یادگیری، کار بسیار می‌طلبد و باید با صراحت اعلام کرد که هیچ تخفیفی درباره پیموده‌شدن فرایندهای هویتی، قابل پذیرش نیست. فراگیر در چنین معنایی از یادگیری، موجودی خلاق، مبتکر و مسئول است. منظور از فعالیت‌های یاددهی-یادگیری در این جا، موقعیت‌سازی در راستای تجربه مسیر هویتی‌یابی برای فراگیر است و آموزگار امکان و شرایط رخ‌دادن طبیعی یک اتفاق را فراهم می‌کند؛ ارائه درس در جهت هویت‌بخشی، فعالیتی چندبعدی خواهد بود که امکان و فرصت مفهوم‌سازی و پیمایش تمامی فرایندهای هویتی از ارتباط و پذیرش گرفته تا ثبات و تداوم را به‌گونه‌ای سازمان‌یافته فراهم می‌کند که طبیعتاً به یک برنامه‌ریزی دقیق و همه‌جانبه نیاز است. از این رو، کلاس درس به‌عنوان مکانی برای هویت‌یابی، فضای بازی است که امکان حرکت فرد در چندین جهت را فراهم می‌کند. در این معنا، هم تعلیم و تربیت می‌تواند، اهداف و جهت خود را با ارائه زمینه‌های هویتی موردنظرش دنبال کند و هم این‌که زمینه خلاقیت و فردیت فراگیر با طی مسیر به‌گونه‌ای شخصی ایجاد می‌شود. تعلیم و تربیت آغازگر جریان و تشریح‌کننده زمینه‌های یادگیری و فراگیر پیماینده مسیر و پدیدآورنده آن است. هدف آشکار تعلیم و تربیت در این معنا، ایجاد شرایط و ترغیب فراگیران به پیمودن مسیر یادگیری و تحقق یادگیری است.

منابع

- باقری، خسرو، سجادیه، نرگس، و توسلی، طیبه (۱۳۹۴). رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- پیدایی، میرمهرداد، و نوری، فیروز (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی آموزش کارکنان در سازمان‌ها. تهران: انتشارات سیمای دانش.
- ذاکری، مختار (۱۳۹۴). مفهوم‌پردازی هویت و کاربرد آن در تعلیم و تربیت. رساله دکتری، دانشگاه شیراز.
- راستگو، سیدمحمود (۱۳۹۷). عوامل مؤثر در تحکیم و ارتقای هویت دینی دانش‌آموزان متوسطه دوره اول. پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۲، ۸۲-۶۸.
- سبحانی‌نژاد، مهدی، و امیری، زهرا (۱۳۹۴). چارچوب مفهومی هویت اسلامی-ایرانی. فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۳، ۴۲۵-۴۱۳.
- علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۸۳). مبانی نظری هویت و بحران هویت. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- محمودی، سیروس (۱۳۹۸). بررسی وضعیت مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی پایه دوازدهم. مطالعات ملی، ۷۸، ۷۶-۶۱.
- میربلوچ زهی، فاطمه (۱۳۹۸). ارائه راهکارهای اجرایی برای تقویت هویت اسلامی-ایرانی کودکان در مراکز پیش‌دبستانی. پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۲۱، ۷۴-۶۴.
- میرزاپور، سمیرا، زمانی‌مقدم، افسانه، و جعفری، پریش (۱۳۹۸). کارکرد آموزش و پرورش در نهادینه‌سازی هویت ملی دانش‌آموزان از منظر کارکنان مدارس. مطالعات ملی، ۷۹، ۷۴-۵۳.
- نادری، مریم (۱۳۹۷). تبیین مبانی فلسفی هویت اسلامی‌ایرانی و آسیب‌شناسی آن. اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۴(۳)، ۲۵-۷.
- هانینگتن، ساموئل (۱۳۸۴). چالش‌های هویت در آمریکا. ترجمه محمدرضا گلشن و همکاران، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی.

- Maykut, P., & Morehouse, R. (1994). *Beginning qualitative research*. London: The Falmer press.
- Miedima, R. (2016). Language, power and identity. *Language Teaching*, 45(2), 215- 233.
- Paranjpe Anand, C. (2002). *In search of identity*. New York: Ahalsted press book.
- Regina, K. M. A. (2017). *An investigation of Jewish ethnic identity and identification and their psychological correlates for American Jewish*. Master Thesis of Science, Ohio State University.
- Roath, J., & Kelipart P. (2019). Identity Theory and Social Identity Theory. *Social Phycology Quarterly*, 163(3), 224-237.
- Schneider, C. E. (2018). *His running for normalcy, identity development, and the disability blues: An auto ethnography that explores one man's quest to understand identity*. Master Thesis of Arts. College of Education and Human Services of Ohio University.